

برنامه خصوصی سازی و امنیت شغلی زحمتکشان

و باید بر اساس آن حرکت و عمل کرد. زمانی که برنامه سوم از تصویب مجلس گذشت، حزب ما در ارزیابی خود از آن خاطر نشان ساخته بود: «در ارتباط با حقوق و منافع کارگران و زحمتکشان برنامه سوم توسعه از برنامه های قبلی بدتر و زیان بار تر است. کمترین اهمیت در برنامه سوم به این امر اختصاص دارد، گویی آفرینندگان ثروت های مادی و معنوی کشور جایی در محاسبات مسئولان رژیم ندارند و در موارد متعددی به نام ایجاد اشتغال و گسترش امر تولید، تسهیلات گوناگونی به کارفرمایان و سرمایه داران تعلق می گیرد. اما از تضمین امنیت شغلی کارگران و حمایت از حقوق آنان خبری نیست. برنامه سوم توسعه و محتوی ضد ملی آن و مواد متعدد ضد کارگری اش، گام نخست در یورش وسیع جنبش کارگری- سندیکایی و دستاوردهای تاریخی جنبش است» (نامه مردم، شماره ۵۸۰- بحثی پیرامون برنامه سوم توسعه

ادامه در صفحه ۴



شماره ۶۲۱، دوره هشتم
سال هجدهم، ۱۵ آبان ماه ۱۳۸۰

**جلوه های پر شکوه همبستگی بین
المللی در شصتمین سالگرد تأسیس
حزب توده ایران در صفحه ۵**

اوباش واقعی چه کسانی هستند؟

تحولات اخیر در میهنمان که با گسترش جنبش جوانان به بهانه مسابقات فوتبال اوج بی سابقه بی یافت، اظهار نظر های مختلفی را در این رابطه برانگیخت. مساله اوباش و اوباشی گری یکی از مباحثی بود که به جنبش جوانان نسبت داده می شد. این نسبت عمدتاً از طرف نیروهای درون حکومتی به این جنبش زده می شد. هر چند با اوج گیری این جنبش سعی شد در این مواضع تعدیلاتی صورت گیرد اما باز شدن همین مبحث اوباش گری باعث نمی شود که از عدم وجود چنین پدیده بی در داخل ایران پفره رفت. حقیقت این است که اوباش گری قدمتی به درازای عمر رژیم ولایت فقیه دارد و جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تاکنون با سازمان دهی دسته های اوباش زیر عنوان هایی چون، حزب الله، انصار حزب الله و غیره، حرکت های ترقی خواهانه گروه های اجتماعی مختلف را با ضرب و شتم و بگیر و ببند و اعمال وحشیانه مورد تهاجم قرار داده است. از بعد از خرداد ۷۶ به این طرف این گروه های اوباش که تحت کنترل مستقیم اشخاصی چون مصباح یزدی و جنتی عمل می کنند، سلسله اقدامات جنایت باری را انجام دادند که از خاطر مردم هیچگاه فراموش نخواهد شد. گروه های اوباش و جنایتکار اندکی بعد از دوم خرداد ۷۶ در انتقام از توده ها با ترتیب

ادامه در صفحه ۲

۱۳ آبان، شعارهای تو خالی و درک دقیق مردم از واقعیات روز جامعه ما

سعودی، پاکستان و افغانستان و سایر کشورهای نظیر آن شباهتی ندارد...» وی در همین سخنان همچنین اشاره کرد که: «هیچ اقتداری پذیرفته نیست مگر که از مجرای دموکراسی و مردم سالاری ایجاد شده باشد...» (روزنامه «نوروز»، دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۰). نظری، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی تربیت معلم، در سخنرانی خود در همین مراسم، ضمن اشاره به سابقه ۱۳ آبان از جمله اظهار داشت: «جنبش دانشجویی و اتحادیه های انجمن های اسلامی دانشجویان و انجمن های اسلامی همه باید با شکل گیری انحصار طلبی و انحصار گرایی در داخل کشور مبارزه کنند.» وی در جای دیگری از سخنان خود ضمن پوچ دانستن ادعاهای «ضد آمریکایی» انحصار طلبان و همخوانی سیاست آنها با سیاست آمریکا افزود: «بخشی از ارکان اقتصادی و سیاسی جناح اقتدار گرا علی رغم مخالفت های ظاهری، شیوه های بین المللی آمریکا را پی می گیرند... امروز مردم دیگر شعارها را کافی نمی دانند...»

در رویداد مهم دیگری، همزمان با سفر سید علی خامنه ای، «ولی فقیه» رژیم به اصفهان، دانشجویان انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان، با ارسال نامه بی به او اعتراض خود را به ادامه شیوه های سرکوب و اختناق اعلام کردند. در این نامه که بخش هایی از آن در روزنامه نوروز منتشر شده است، با اعتراض به برخورد فاجعه بار قوه قضائی در برخورد به مطبوعات مستقل، همچنین اشاره شده است که: «روزگاری

ادامه در صفحه ۶

در چند روز گذشته به مناسبت ۱۳ آبان مراسم متفاوتی در کشور برگزار شد و سخنرانی ها و اظهار نظرهای متفاوتی بیان شد که از زوایای گوناگونی قابل تأمل است. در مراسمی که رژیم به مناسبت ۱۳ آبان ماه سازمان دهی کرده بود، برغم تلاش های سازماندهی شده برای کشاندن جمعیت و آوردن تعدادی با مینی بوس، شمار بسیار اندکی گرد آمدند و به سخنرانی احمد جنتی، گوش فرا دادند. در مقابل این مراسم فرمایشی، دانشجویان شماری از دانشگاه ها و دانشکده های تهران در مراسمی که روز یکشنبه در اعتراض به «سلطه جهانی و تحجر دینی» سازمان دهی شده بود گرد آمدند و بر خواست های خود در راه استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی پای فشردند. در مراسم دانشجویان در تهران، که در آن نظری، عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی تربیت معلم، پورقاسمی، از دانشگاه علم و صنعت، وحید قبادی، از دانشگاه تهران و علی رضا علوی تبار سخنرانی کردند، دانشجویان با طرح شعارهایی همچون: «اسلام طالبانی، اسلام آمریکاییست»، «تمدن و تفکر پیام ملت ماست» و شعارهایی در زمینه آزادی مخالفت صریح خود را با مرتجعان حاکم اعلام کردند. علوی تبار در سخنرانی خود از جمله گفت: «هیچ شباهتی میان اسلام واقعی با جنبش های بنیاد گرا وجود ندارد و انقلاب اسلامی در ایران توجه به زمان و مکان را اصل می دانست و می داند و با گرایشات بنیادگرایانه در الجزایر، مصر، عربستان

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

ادامهٔ اوباش واقعی ...

دادن قتل‌های زنجیره‌ی بی‌تعدادی از بهترین قهرزندان این مملکت را با وحشیانه‌ترین شکل ممکن به شهادت رساندند. بررغم کوشش‌های بسیار و قول‌های داده شده توسط مقامات حکومتی با حمایت قوه قضاییه رژیم ولایت فقیه اوباش جنایت‌کار از چنگ عدالت گریختند. مسأله حملات اوباش رژیم حتی به نیروهای «خودی» هم تسری پیدا کرد و گروه‌های دیگر از همین اوباش عبدالله نوری و مهاجرانی وزیر سابق ارشاد را مورد ضرب و شتم قرار دادند. فقط امیر فرهاد ابراهیمی به دلیل افشای این اوباش‌گری توسط قوه قضاییه در این رابطه به زندان افکنده شد و مابقی در سایه حمایت نیروهای سرکوب رژیم همچنان آزاد می‌گردند. فاجعه کوی دانشگاه تهران و حمله به خوابگاه دانشجویان که یکی از دامنشانه‌ترین حملات نیروهای سرکوب‌گر را به همراه داشت، مسأله اوباش یا به تعبیری دیگر لباس شخصی‌ها را که نقشی عمده در این فاجعه داشتند، بیش از پیش برجسته ساخت. در جریان محاکمات فرمایشی این اوباش، عزت ابراهیم نژاد که در جریان این حملات به شهادت رسید، گناهکار شناخته شد. در جریان اردوی دانشجویان در خرم‌آباد بار دیگر این اوباش با حضور در فرودگاه خرم‌آباد اقدام به ضرب و شتم تاج زاده معاون سابق وزیر کشور کردند و در جریان برگزاری اردو و بعد از آن در مسیرهای جاده‌ای، دانشجویان شرکت‌کننده در این اردو را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار دادند. بررغم افشاگری‌های گسترده بار دیگر و همچون سابق اوباشان در زیر چتر حمایت بالاترین مقامات حکومتی از چنگ عدالت گریختند. موارد دیگر همچون حمله اوباش به دفتر روزنامه تعطیل شده «جامعه»، حمله به تجمعات اعتراضی خانواده زندانیان سیاسی، حمله به تجمعات اعتراضی دانشجویان به مناسبت‌های مختلف، خودمشتی از خروارها اوباش‌گری رژیم ولایت فقیه می‌باشد. و اینک که خشم و نفرت توده‌ها بخصوص جوانان، بالاترین مقامات حکومتی رژیم را نشانه رفته، با استفاده از القابی که به حق زبینه حاکمان کنونی می‌باشد، به فکر به اصطلاح مبارزه با اوباش‌گری افتاده‌اند. چنین خیزش‌هایی که خوشبختانه هر روز رو به گسترش گذاشته به طور حتم دلمشغولی‌های عمده‌ای را در میان حکومتیان بوجود آورده است. با اینکه امکان روند حوادث کنونی به شکل فعلی ممکن است تداوم نداشته باشد اما جوشش و غلبانی که در بین گروه‌های اجتماعی برای تحقق خواسته‌های بنیادین وجود دارد، مسأله‌ی بی‌نیست که بتوان با بند بازی و حملات دل‌فریب و یا اعلامیه‌های تهدید آمیز به مقابله با آن پرداخت. مطرح شدن بحث گسترده اوباش‌گری به دلیل در هم تنیدگی ماهیت رژیم ولایت فقیه با چنین پدیده‌ای منفور، بیش از آنکه محسوس کننده ماهیت جنبش اعتراضی جوانان باشد، نشان دهنده انزجار توده‌ها از چنین اقداماتی توسط رژیم ولایت فقیه در گذشته و حال دارد.

ملاقات تقی رحمانی با خانواده اش که قرار بود روز یکشنبه ۶ آبان در محل دادگاه انقلاب صورت گیرد، عملی نشد. خبرهای دریافتی حاکی است فشار بر زندانیان ملی- مذهبی شدت گرفته است، به طوری که هیچ کدام از زندانیان ملی- مذهبی موفق به ملاقات با خانواده‌هایشان نشده‌اند، فقط دکتر پیمان و رئیس طوسی توانسته‌اند تلفتی با خانواده‌هایشان صحبت کنند. دلیل عمده فشارها این است که در مدت بیش از شش ماه بازداشت و بازجویی‌های مداوم و انفرادی‌های طولانی نتوانسته‌اند مدارک مورد دلخواه! برای محاکمه زندانیان ملی- مذهبی را فراهم آورند و دستشان خالی است. در نتیجه قوه قضاییه باید با پرونده‌های خالی و سفید دادگاه تشکیل دهد و ملی- مذهبی‌ها را محاکمه کند. و از طرفی چون زندانیان در بازجویی‌ها حرفی برای گفتن ندارند به آنها فشار می‌آورند تا شاید آنها را وادار به گفتن مطالبی بکنند که نه صحت دارند و نه مورد قبول آنهاست. برای تحت فشار قرار دادن خانواده زندانیان ملی- مذهبی، نامه‌ی بی‌از قول مهندس عزت‌الله سبحانی توسط دادگاه انقلاب از طریق ایسنا منتشر شده است. پیش از این هم نامه‌ای از قول مهندس سبحانی منتشر شده بود که نتیجه‌ای منفی در افکار عمومی داشت. خبر دیگر حاکی است که بر خلاف گفته دادگاه انقلاب که در ۲۰ آبان محاکمه بازداشت

گزارشی از وضعیت زندانیان سیاسی

شدگان ملی- مذهبی صورت می‌گیرد، این دادگاه فقط شامل اعضای نهضت آزادی است که در شعبه ۲۱ رسیدگی می‌شود. رئیس این شعبه گفته است پرونده‌های زیر نظر وی تمام شده است و می‌تواند در ۲۰ آبان محاکمه اعضای نهضت را آغاز کند. ولی شعبه ۲۶، که رئیس آن قاضی حداد است و پرونده‌های ملی- مذهبی را رسیدگی می‌کند، گفته است که کار وی کار سختی است چون جرایم سنگین است او نتوانسته است پرونده‌ها را تمام کند! در نتیجه دادگاه ملی- مذهبی‌ها به تعویق می‌افتد و معلوم نیست که برگزار شود.

در ملاقاتی که هفته گذشته خانواده‌های زندانیان با مهدی کروی داشتند، او گفته بود که «کل نظام تصمیم به آزادی تمامی زندانیان ملی- مذهبی‌ها» دارد اما علت اینکه چرا این روند متوقف شده است، او هم اظهار بی‌اطلاعی کرده است. مبارزه در راه‌هایی زندانیان سیاسی، از چنگال مزدوران رژیم «ولایت فقیه» همچنان یکی از عرصه‌های مهم مبارزه در راه تحقق آزادی و حقوق مدنی در میهن ماست و در این راه نباید با سکوت و بی‌عملی اجازه داد که رژیم بتواند مراحل بعدی نقشه‌های پلید خود را به مرحله اجرا درآورد.

زنان، واقع بینی و نیازها

اکنون کمتر نیروی سیاسی را می‌توان یافت که منکر آن باشد که در جامعه ایران مشکلی به نام معضل زنان وجود دارد. این امر تا بدانجا پیش رفته که ذوب شدگان زن ستیز در ولایت هم سعی دارند با استفاده از پیش‌های ارتجاعی و قرون وسطایی و با بزک کردن خرافه‌های مذهبی نشان دهند که کماکان آنها هستند که یگانه حامی زنان در تمامی زمینه‌ها هستند. با تمامی ترندها برای کنترل کردن این قشر میلیونی، این مهم تاکنون نتیجه مطلوبی را برای مرتجعان حاکم در پی نداشته است. جناح‌های زن ستیز حکومتی که در این اواخر سعی داشته‌اند با اظهار نظرات مختلف خواسته‌های زنان را به چند عنوان کنترل شده دولتی محدود کنند کم‌کم شکست خود را در این عرصه مشاهده می‌کنند. روزنامه نوروز، سه شنبه، ۸ آبان، در مقاله‌ی بی‌عنوان: «مسأله کدام زنان؟»، می‌نویسد: «اخیراً تب و تاب انتخاب و انتصاب زنان در پست‌های کلیدی توسط فراقسیون زنان مجلس شورای اسلامی به اوج خود رسیده است. گزینه‌ای مطرح در فرآیند این تصمیم‌گیری، به صورت حلقه متصلی است که سال‌ها با شدت و ضعف به دور یک محور می‌چرخد. شعارهای دفاع از حقوق زنان به ویژه در سال‌های اخیر از معنای اصلی خود خارج گشته و رنگ و صبغه سهم‌خواهی به خود گرفته است. نگاهی گذرا به تقاضای عمومی زنان در جامعه نشان می‌دهد که مشکل اصلی زنان آن چیزی نیست که نمایندگان محترم به دنبال آن هستند با یک نگاه کلی به جامعه و خواسته‌هایی که مطرح شده است می‌توان گفت آن چیزی را که نیمی از جمعیت ما به دنبال آن هستند با دیدگاه و ایده‌زنان مسئول یکی نیست. جامعه به یک سمت پیشروی می‌کند و جمعیت نسوان حاکم به سمت دیگر. آیا این همان ایده و آرزویی بود که زنان ما سال‌ها به دنبال آن بودند؟ آیا اگر عده قلیلی که از شمار انگشتان کمتر

هستند به پست‌های بالای اداری راه یافتند، تمام مشکلات پیش روی زنان ما از بین می‌رود؟ حرکتی را که جمعیت مظلوم زنان در ایران به آرامی و یا بهتر بگوییم گام به گام به پیش می‌برند برای این است که حقوق از دست رفته خود را به دست آورند و اگر کاری خاص انجام شود آن تغییر نگرش جامعه [بخوان تغییر نگرش رژیم ولایت فقیه] نسبت به حضور همه جانبه زنان در صحنه‌های مختلف اجتماع است. این حرکت گام به گام که رهبری آن به عهده خود این جمعیت است مانند موجی آرام به پیش می‌رود و شما فقط سکاندار این حرکت هستید و باید مواظب بود که خدای ناکرده به مسیری غیر از مسیر اصلی آن به پیش نرود، نه اینکه با حرکت‌های تند فمینیستی این نهضت را به ۲۰ سال عقب بکشانید.» مقاله واقع بینانه روزنامه نوروز، که در نوع خود تاکنون کمتر بروز انتشار یافته است را باید گامی مثبت نسبت به بازتاب مسأله زنان در جامعه تلقی کرد. جنبش زنان میهنمان با استفاده از پتانسیل عظیم خویش حق دارد که در عرصه‌های مختلف دارای حقوق برابر با مردان باشد. امری که با مقاومت گسترده حاکمان کنونی مواجه گردیده است. ما قیلا هم متذکر شده‌ایم که مبارزه زنان مانند هر مبارزه اجتماعی - سیاسی دیگری نیازمند تشکل و سازمان دهی است. اکنون زمان آن رسیده که تلاش‌های پراکنده زنان حول یک تشکیلات منسجم شکلی هر چه سازمان یافته‌تر به خود بگیرد.

جنبش دانشجویی، انفعال یا تداوم؟

نگاهی به تحولات میهنمان بخصوص تحولات پس از خرداد ۷۶ به خوبی نشان می دهد قشر دانشجویان و جنبش وابسته به آن نقش ویژه بی در تحولات سال های اخیر میهن ما داشته است. سخن گزافی نیست اگر گفته شود فشارها و تضییقات وارد آمده به این جنبش پویا را کمتر نیروی اجتماعی دیگر بر خود تحمل کرده است. همین امر در تمامی مقاطع حساسیت های ویژه را در این باره سبب گردیده که به نسبت شرایط سیاسی حاکم بر میهن دارای اشکال متفاوتی بوده است. ترفندیاس و ناامیدی از مولفه هایی است که گرچه جدید نیست اما تاکید بیش از حد روی آن بخصوص طی چندین هفته گذشته، تامل و تعمق روی آن را لازم می سازد. نجفقلی حبیبی، دبیر انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها در مورد آن چیزی که او دلایل رکود سیاسی در دانشگاه ها می داندش، می گوید: «یکی از دلایل رکود سیاسی به موقعیت زمانی باز می گردد که در حال حاضر مسایل حساسی چون انتخابات در پیش نداریم. بنابراین نمی توان گفت که فضای موجود خیلی ناامید کننده است.» (حیات نو، ۷ آبان) وی در خصوص به وجود آمدن رکود سیاسی و تبعات سیاسی- اجتماعی آن گفت: «اگر این اتفاق نادر بیفتد ما با یک نسل بی تفاوت نسبت به مسایل سیاسی و سرنوشت و آینده مملکت مواجه خواهیم شد.» وی خسارت های زیادی که به حرکت های دانشجویی وارد شده و برخوردهای ناگوار بعد از حادثه کوی دانشگاه تاکنون را دلیل از بین رفتن جسارت سیاسی دانشجویان خواند و گفت: «وقتی دانشجویان متوجه می شوند ورود به عرصه سیاسی هزینه بالایی دارد فکر می کنند که نباید چنین هزینه هایی را بپردازند.» وی افزود: «ممکن است دانشجویان احساس ناامیدی کرده و فکر کنند که فعالیت آنها دیگر فایده ای ندارد که این فکر بسیار خطرناک است.» حبیبی همچنین اضافه کرد: «شاید فضای کشور و موقعیت سیاسی مملکت، دانه های انقلاب، دانشجویان را به یک نوع اعتدال و برهیز از هر گونه تندروی دعوت کند.

اتفاقاتی که می افتد باید موجب شود که دانشجویان در روش خود تجدید نظر کنند اما نباید به یک نوع وادادگی سیاسی یا انفعال برسند.» سخنان حبیبی که در ظاهر با حمایت از دانشجویان زده شد در واقع نوعی نگرانی از فعالیت های مستمر و آگاهانه دانشجویان در مقطع کنونی است. در واقع امر باید گفت بهترین موقعیت برای مرتجعان حاکم این است که دانشجویان به انفعال و واگذاری سیاسی روی آورند. این بهترین گزینه برای رژیم ولایت فقیه، رویایی است که سال ها خواب از چشم آنها ربوده است. اما آیا جنبش دانشجویی منفعل، کم جسارت و ناامید گردیده است؟ القاء چنین تفکری به جنبش دانشجویی آن هم زیر چتر حمایت از دانشجویان نشان دهنده خطرناک بودن این جنبش نزد حاکمان کنونی است. نگاهی به تحولات دانشجویی از مقطع بازگشایی دانشگاه با شروع سال تحصیلی جدید و میزان دستگیری های مداوم فعالان دانشجویی و همچنین سلسله بحث ها و سخنرانی هایی که در دانشگاه های مختلف توسط دانشجویان بر پا می شود و به اضافه مسخ جنبش دانشجویی از طریق فروپاشی تشکل هایی چون دفتر تحکیم وحدت همه و همه اسناد محکم در رد چنین نظریات با اهداف مشخص می باشد. جنبش دانشجویی یک نوع فعالیت صرف سیاسی نیست که به دلیل هزینه های بالای آن باعث سرخوردگی و ناامیدی گردد.

جنبش دانشجویی به آن دلیل ریشه دار و تعمیق یافته می باشد که در ارتباط با منافع آتی قشرهایی قرار دارد که آینده اجتماعی- اقتصادی و سیاسی خویش را در ضرورت تحولات بنیادین جستجو می کند. شاید خود سخنان حبیبی گویاتر از آن باشد که بیشتر از پویایی و تداوم این جنبش صحبت شود هر چند خود وی ممکن است بی به اشتباهش نبرده باشد. حبیبی از یک طرف خود را نگران انفعال سیاسی دانشجویان می داند و از طرف دیگر از آنها خواستار اعتدال می شود. اگر وی معتقد است جنبش دانشجویی دچار انفعال گردیده پس دیگر چه می ماند که با روش های اعتدالی برای حفظ آن کوشش شود. در واقع امر حبیبی و امثال او، در تدارک متوقف کردن این جنبش پیشناز بعد از سیاست های ماماشات گرانه همچون آرامش فعال، مقدمات سناریوی دیگری را برای جنبش دانشجویی در نظر گرفته اند. به همین منظور دانشجویان باید با آن برخورد هوشیارانه بکنند. با اینکه جنبش دانشجویی متحمل ضربات و صدمات سختی گردیده اما بررغم تمامی این موارد این جنبش سرفراز و پرتوان به نقش تعیین کننده خویش در روند تحولات سیاسی آینده میهن ادامه می دهد. وظیفه نیروهای مترقی و طرفداران واقعی اصلاحات حمایت و کمک به این جنبش است.

به استقبال شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران



وقایع نگاری یک سده جنبش کارگری و کمونیستی ایران

■ ۸ فروردین ۱۳۳۱ - در این روز تظاهراتی از سوی «کانون جوانان دموکرات» برگزار شد که منجر به کشته شدن ۸ نفر از جوانان شد. در میان شهیدان این ماجرا نام رفیق قهرمان قازار سرکیسیان به چشم می خورد.

■ ۷ خرداد ۱۳۳۱ - اجرای قانون خلع ید به دست حکومت ملی دکتر محمد مصدق

■ ۱۲ خرداد ۱۳۳۱ - تشکیل نخستین «کنگره ملی صلح» در تهران. در این کنگره نیروهای مترقی و صلح دوست از سراسر ایران شرکت داشتند.

■ ۹ تیر ۱۳۳۱ - اعتصاب غذای زندانیان سیاسی شیراز. این اعتصاب ۱۳ روز به طول انجامید. هدف اعتصاب غذا اعتراض به دخالت دولت در انتخابات فارس بود.

■ ۲۶ تیر ۱۳۳۱ - استعفای دکتر مصدق به منظور اعتراض به عدم موافقت شاه با واگذاری تصدی وزارت جنگ.

■ ۲۷ تیر ۱۳۳۱ - صدور فرمان نخست وزیری قوام از جانب شاه.

■ ۲۸ تیر ۱۳۳۱ - انتشار اعلامیه «جمعیت مبارزه با استعمار» در مخالفت با دولت قوام.

■ ۳۰ تیر ۱۳۳۱ - در این روز قشرهای وسیع مردم، به قصد واژگونی دولت قوام و بر ضد مداخلات غیر قانونی شاه، دوش به دوش هم به میدان آمدند. کشتاری که در همه جای تهران از مردم از جان گذشته شد از صفحات سیاه تاریخ سلطنت محمد رضا شاه است. اما شرکت متحد و مشترک تمام محافل ضد استعماری و ملی در این نبرد و پیوستن عده ای از افسران آزادی خواه به مردم، شاه را ناگزیر به عقب نشینی کرد. دولت قوام سقوط کرد و دکتر مصدق مجدداً به سر کار آمد.

■ ۲۴ مهر ۱۳۳۱ - دولت دکتر محمد مصدق با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرد.

■ ۴ آبان ۱۳۳۱ - جشن تولد شاه در ورزشگاه امجدیه به صحنه نبرد بین مردم و نیروهای انتظامی تبدیل شد. از کنار جایگاه شاه و در سراسر میدان فریاد «مرگ بر شاه» به گوش می رسید.

صدها نفر از جوانان در جریان این حرکت اعتراضی مجروح و بازداشت شدند. این تظاهرات از سوی حزب توده ایران سازمان دهی شده بود.

ادامه در شماره بعدی «نامه مردم»

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران

ادامه برنامه خصوصی سازی و امنیت ...

و منافع کارگران).

امروز در اثر اجرای برنامه سوم، این ارزیابی حزب توده ایران، صحت خود را نشان می دهد. طرحی که به تازگی به نام «حمایت از بازسازی و نوسازی نساجی کشور» از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، نمونه بارز سلسله اقداماتی است که، در راستای اجرای برنامه سوم توسعه با محوریت خصوصی سازی و جذب و جلب سرمایه خارجی در حال اجرا شدن بوده و امنیت شغلی میلیون ها کارگر ایرانی را با تهدید جدی روبرو ساخته است. مصوبه مذکور سبب اخراج نزدیک به ۱۰۰ هزار کارگر در سراسر کشور می شود. نکته بسیار ظریف که در لایحه مجلس نهفته و کمتر مورد توجه قرار گرفته است مغایرت آشکار آن با قانون کار فعلی است. بر خلاف قانون کار، مرجع اتخاذ تصمیم در مورد اخراج زحمتکشان و اصلاح ساختار واحدهای صنفی و جز اینها کمیته بی متشکل از نمایندگان وزارتخانه های صنایع و معادن، کار و امور اجتماعی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی است. بی جهت نبود که حتی مهره های وابسته به رژیم در هراس از خشم کارگران، این مصوبه مجلس را هدیه به کارفرمایان و سوبسید (پارانه) به ثروتمندان دانستند.

پاسخ به این پرسش که، چرا مجلس شورای اسلامی، لایحه بی را مغایر با قانون کار از تصویب می گذراند، دشوار نیست! تغییر قانون کار از موضع ارتجاعی در پیوند با سیاست جلب و جذب سرمایه و تامین امنیت آن قرار دارد. جمهوری اسلامی در چارچوب برنامه سوم توسعه در صدد تامین امنیت سرمایه گذاری خارجی است و در نتیجه می باید تغییراتی در قانون کار فعلی پدید آورد. در آخرین گزارش هیئت مدیره صندوق بین المللی پول با صراحت تأکید شده است که، در کنار خصوصی سازی و آزاد سازی تجاری باید قانون کار در سمت و سوی منافع سرمایه گذاران تغییر یابد. پر واضح است، هدف ایجاد نیروی کار ارزان و مطیع است. در این باره روزنامه اطلاعات بین المللی به تاریخ دوشنبه ۲ مهر ماه سال جاری خورشیدی، ضمن درج قسمت هایی از گزارش صندوق بین المللی پول در باره ایران از جمله نوشته است: «هیئت مدیره ای. ام. اف. (صندوق بین المللی پول) مسئولین ایرانی را به شتاب بخشیدن روند بازسازی و خصوصی سازی مشاغل عمومی و ایجاد تسهیلات در بستر سرمایه گذاری بخش خصوصی از طریق فعال سازی قانون جدید سرمایه گذاری و آزاد سازی قوانین کار (بخوان تغییر آن به سود سرمایه گذاران) دعوت کرده است.» اضافه کنیم «دعوت» در قاموس صندوق بین المللی پول چیزی جز دستور و امر کردن نیست! درست بر پایه چنین راه کارهایی است که مجلس شورای اسلامی لایحه بی نظیر «حمایت از بازسازی و نوسازی نساجی کشور» را به تصویب می رساند. همزمان با اقدام مجلس، مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی، گزارش دادند، اجرای قانون خصوصی سازی آغاز شد و در مرحله اول سهام ۵ شرکت بزرگ تولیدی در بازار بورس تهران عرضه گردید. این ۵ شرکت، یعنی گروه تولیدی میهن، توسعه صنایع بهشهر، شرکت دیزل، ایران خودرو و شرکت سیمان تهران تحت پوشش سازمان خصوصی سازی قرار داشتند. خصوصی سازی این شرکت ها که برخی از آنها مانند ایران خودرو و سیمان تهران از واحدهای تولیدی پرسابقه کشور هستند، منجر بدان می شود که، هزاران کارگر شغل خود را از دست داده و به صف طولیل بیکاران بپیوندند. برآوردهای کارشناسان حاکی از آن است که در مرحله اول خصوصی سازی این ۵ شرکت، بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران و کارمندان کار خود را از دست خواهند داد.

مسئولان خصوصی سازی، همواره یادآور شده اند، مسأله بیکاری شاغلان پس از روند خصوصی سازی واحدهای تولیدی و صنعتی، ربطی به آنها ندارد و در برابر آن مسئولیتی بر عهده ندارند. از سوی دیگر هیچ نهاد و ارگانی و حتی وزارتخانه بی خود را موظف به رسیدگی به سرنوشت زحمتکشانی که بر اثر خصوصی سازی شغل خود را از دست می دهند، نمی داند. سازمان تامین اجتماعی که خود نیز در معرض یورش سیاست های مخرب خصوصی سازی قرار دارد مدتهاست در این باره از خود رفع مسئولیت کرده است.

از دیگر مواد برنامه ضد ملی خصوصی سازی و تامین امنیت سرمایه بویژه سرمایه خارجی که در قانون برنامه سوم به آن جایگاه مهم و اختصاصی داده اند، واگذاری بخش های مختلف شرکت ملی نفت ایران به بخش خصوصی داخلی و خارجی است.

بنا به گزارشات انتشار یافته در رسانه های همگانی، طی یک برنامه ضربتی و کوتاه مدت کلیه امور مربوط به پالایش و بخش فرآورده های نفتی به بخش خصوصی واگذار می شود. معاون مدیر عامل عملیات شرکت ملی پالایش و بخش فرآورده های نفتی اظهار داشته است: «خصوص سازی عامل اصلی در جهت کاهش هزینه هاست. تجربه واگذاری امور حمل و نقل شرکت ملی و پالایش به بخش خصوصی مناسب بود و منجر به آن شد که، هزینه ها کاهش یابد، در برخی قسمت ها، هزینه های پرسنلی را تا یک پنجم کاهش داد.»

مفهوم هزینه های پرسنلی، چیزی جز اخراج و یا باز خرید کردن اجباری

هزاران کارگر نیست که با پیوستن به صف بیکاران خود و خانواده هایشان به ورطه سیاه و هولناک فقر سقوط می کنند. و آن دسته از کارکنانی که جان به سلامت می برند و در شغل خود ابقاء می گردند، با کاهش و تنزل جدی سطح دستمزدها مواجه می شوند.

اعتراضات پراکنده در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در مخالفت با این برنامه ها در حال اوج گیری است. مبارزه بی برای تامین امنیت شغلی، در میان نفتگران در حال تکوین است که باید در جهت سازمان دهی آن جدا کوشید. علاوه بر اینها، شرکت دخانیات ایران نیز به زودی و طی چند مرحله به بخش خصوصی واگذار می گردد. در این شرکت ۱۲ هزار تن مشغول بکار هستند که با برنامه خصوصی سازی نزدیک به ۸۰ درصد آنها بیکار می شوند.

این موج بیکاری در شرایطی دامن زده می شود که بنا به گزارش دفتر اقتصاد کلان سازمان مدیریت و برنامه ریزی که بخشی از آن در روزنامه همشهری به تاریخ هفدهم مهر ماه منتشر شد، بازار کار ایران با چالش های بزرگ روبرو است و نرخ بیکاری افزایش چشم گیر پیدا خواهد کرد. در گزارش قید می شود در پی رشد سریع نیروی کار، نرخ بیکاری در سال های ۱۳۸۱-۱۳۸۰ خورشیدی به بالای ۱۶/۲ درصد افزایش می یابد. اما منابع کارشناسی اعلام داشته اند رشد نرخ بیکاری در ایران طی سال های آینده با توجه به بحران اقتصادی جهان رقمی بیش از ۱۸ درصد را در بر می گیرد.

ژرفش بحران بیکاری نتیجه مستقیم سیاست های اقتصادی رژیم است که در غالب برنامه سوم در حال اجرا است، محمد خاتمی رئیس جمهور نیز این سیاست ها را بر خلاف واقعیت های موجود تنها راه برون رفت از بحران می داند. خاتمی در مصاحبه هفته های گذشته خود در جمع خبرنگاران با تأکید بر خصوصی سازی و تضمین امنیت سرمایه یادآور شد: «هیچ معجزه ای جز سرمایه گذاری در این کشور رخ نخواهد داد، باید امنیت ایجاد کنیم، هر چه در داخل کشور این زمینه (امنیت) را بیشتر فراهم کنیم بهترین تبلیغ برای جذب سرمایه گذاری خارجی است. البته این طرح سرمایه گذاری خارجی که مورد اعتراض شورای محترم نگهبان بود خوشبختانه در بحث هایی که بین مجلس و شورای نگهبان شده توافق هایی شده که به لطف خداوند در مورد یک طرح مناسب برای جذب امکانات خارجی و دادن اطمینان به دیگران به منظور آمدن به ایران و کسب سود به توافقات خوبی رسیدند.» (اطلاعات بین المللی - دوشنبه ۱۲ شهریور ۱۳۸۰)

ایجاد امنیت برای سرمایه در چارچوب برنامه های کنونی چیزی جز پایمال کردن امنیت شغلی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان نیست. طبقه کارگر رزمنده ایران، در مقابل این برنامه ها دست به مقاومت جدی زده است. اعتراضات اخیر در نقاط مختلف کشور و در مناطق صنعتی با همه کمبودها و نارسایی های خود، مبارزه بی ستایش برانگیز و موثر است. اعتصابات گسترده در اصفهان در کارخانجات پروین، بارش و شرکت طیور اصفهان و بخش هایی از ذوب آهن اصفهان در ماه های گذشته، اعتصاب ممتد کارگران کارخانه آهک لرستان، کارخانه علاء الدین تهران، شرکت آنتن سازی جهان بین (جی - بی - سی)، مبارزه قهرمانانه صدها کارگر کارخانه الکتریک رشت، اعتصاب کارگران نیروگاه سد ارس در آذربایجان و نیز اعتراضات گسترده در کارخانه پشمبافی کشمیر واقع در کرمانشاه، تحصن کارگران پتو بافی شهر اراک، اعتراض بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه های فرینخ و مه نخ در قزوین و سرانجام یکی از آخرین و در عین حال پرشکوه ترین اعتراضات کارگری در سال های اخیر، راه پیمایی منظم بالغ بر ۱۰ هزار تن از کارگران و زحمتکشان شاغل در نساجی در شهر اصفهان به سیاست های ضد کارگری رژیم است که در روز دوم مهر ماه امسال برگزار شد. این تظاهرات که در کمال آرامش برگزار می شد، با حمله اوباش بسیجی و حزب الهی و نیز دخالت یگان های ضد شورش نیروی انتظامی روبرو شد و طی آن در جریان درگیری با کارگران، تعدادی از آنان بازداشت و روانه زندان شدند. همزمان در تهران نیز رژیم در هراس از اقدامات مشابه کارگران، کلیه خیابان های منتهی به مجلس شورای اسلامی توسط نیروهای امنیتی و انتظامی مسدود شده بود. گزارشاتی نیز از اعتراضات پراکنده از تبریز، اهواز، مشهد و ساوه در مطبوعات انتشار یافته است که به خودی خود خشم و نفرت زحمتکشان از برنامه های اقتصادی رژیم را به نمایش می گذارد.

مبارزه برای تامین امنیت شغلی و مخالفت با خصوصی سازی و مبارزه با سیاست ضد ملی تامین امنیت سرمایه به بهای قربانی شدن کارگران و فروپاشی تولید ملی، مبارزه بی است که در اوضاع بحرانی کنونی کشور ما از اهمیت بسزایی روبرو روست. تشکل و سازمان یافتگی کارگران و زحمتکشان و مبارزه مشترک می تواند به فشار بزرگ اجتماعی برای متوقف کردن برنامه های ضد مردمی رژیم منجر شود.



جلوه های شکوهمند همبستگی بین المللی در شصتمین سالگرد تأسیس حزب

■ پیام کمیته مرکزی حزب کمونیست فدراسیون روسیه به حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان ایران

رفقای عزیز!

شصتمین سالروز بنیادگذاری حزب را صمیمانه به شما شادباش می گویم. ما خوب می دانیم که شما چه راه دشواری را طی کرده اید و چه شمار عظیمی از بهترین فرزندانان در مبارزه به خاطر حقوق زحمتکشان و دموکراسی از پای درآمده اند.

همه این سال ها رشته های دوستی و همبستگی کمونیست های کشورهای ما را به هم پیوند می داده است. حزب کمونیست روسیه در مبارزه به خاطر آرمان های مشترکمان برای شما آرزوی کامیابی می کند.

با درودهای برادرانه

معاون اول صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه، کوپتسو

■ پیام حزب کمونیست بوهم و موراوی (جمهوری چک)

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز:

حزب کمونیست بوهم و موراوی گرم ترین درود های رفیقانه خود را به رفقای حزب توده ایران که شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب را جشن می گیرند، تقدیم می دارد. رابطه دوستانه ما با کمونیست های ایرانی سابقه بی طولانی دارد. تاریخ مبارزه جویانه حزب توده ایران از همان آغازش در شصت سال پیش برای همه کمونیست ها در سراسر جهان الهام بخش بوده است. مبارزه شما برای دموکراسی، حقوق انسانی و اجتماعی، و بر ضد رژیم های دیکتاتوری و در راه حمایت از حقوق مردم زحمتکش ایران مبارزه ما هم محسوب می شود. پیروزی شما، پیروزی ماست. ما به واسطه ایدئولوژی واحدمان، مارکسیسم، و اعتقاد مشترک مان به اینکه این قرن شاهد تغییرات فراگیرنده مثبتی خواهد بود که حتی در قلب و موطن امپریالیسم و از جمله ایالات متحده، بریتانیا و آلمان احساس خواهد شد، با هم وحدت داریم. تجربه کشورهای سابق سوسیالیستی و واقعیت سوسیالیسم موجود در بسیاری از کشورها اعتبار و صحت ایده های مارکس و انگلس را اثبات می کند. این به همه ما در مبارزه روزمره مان اعتماد به نفس می دهد.

با بهترین آرزو های رفیقانه

دکتر. چارفو، مسئول روابط بین المللی کمیته مرکزی حزب کمونیست بوهم و موراوی

■ پیام حزب کمونیست استرالیا

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز

حزب کمونیست استرالیا با نهایت خوشبختی و شرف درود ها و تبریکات صمیمانه خود را به مناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب توده ایران تقدیم می دارد. حزب شما در آزمون سخت دوران جنگ دوم جهانی و مبارزه عظیم بر ضد فاشیسم و تسلط استعماری پایه گذاری شد. پیروزی اتحاد شوروی در جنگ بر ضد نازیسم الهام دهنده و یاری دهنده آزادی بسیاری از کشور ها از یوغ امپریالیسم بود و به پیروزی های جدید بسیار برای سوسیالیسم در اروپا، آسیا و در جزایر کارائیب منجر شد.

بر رغم عقب گرد هایی که در دهه قبل متحمل شدیم، دستاورد های سوسیالیسم و پیام رهایی بخش آن هنوز الهام بخش میلیون ها تن در چهار گوشه جهان است. مارکسیسم - لنینیسم و سوسیالیسم نشان دهنده راهی هستند که در مبارزه بر ضد جنگ و جهانی شدن، که انحصارهای بزرگ و دولت های دست نشانده آنان به وسیله آن سعی به تحمیل یک استعمار جدید بر همه کشورها دارند، باید در پیش گرفت.

حزب شما در تمامی دوره ۶۰ ساله در صف جلو مبارزه دشوار مردم ایران حضور داشته و پایمردانه در دشوارترین و سرکوبگرانه ترین شرایط به مبارزه خود ادامه داده است. ما از انبوه شهدایی که شما در مسیر این مبارزه داشته اید آگاهیم و ستایش بی حد و حصر خود را نثار آنها و اعضای حزب تان که موجودیت حزب را حفظ کرده و مبارزه آن را در شرایط رویارویی با پیگردی که کمتر حزبی آن را تجربه کرده است، ادامه داده اند، تقدیم می داریم.

«جنگ بر ضد تروریسم» فاز دیگری را در مبارزه طولانی بر ضد امپریالیسم و سرمایه داری شروع کرده است. کشورهای اصلی امپریالیستی کوشش دارند که از طریق جنگ های تجاوزگرانه تسلط دیکتاتوری خود را در همه کشورهایی که بطور ثابت قدم از استقلال و حق حاکمیت خود دفاع می کنند، تحمیل کنند. این اهمیت حیاتی دارد که جنبش جهانی صلح ضد امپریالیستی نیروهای خود را تجدید سازمان دهد و جنبش کمونیستی بین المللی از همه طرق ممکن برای سازمان دهی مخالفت جمعی و شکست دادن خطر جنگ کنونی همکاری کند. هم اکنون جنبش مخالفت با جنگ و نژادپرستی در کشور های بسیاری و از جمله استرالیا دامنه گرفته است. این جنبش مکمل کارزار های توده ای توسط مردم بر ضد جهانی شدن و جلسات مختلف صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و گروه ۷ است. برنامه های کشورهای امپریالیستی به موقع خود شکست خواهد خورد و ما در مبارزه مشترکمان برای صلح، آزادی و سوسیالیسم دستاورد هایی خواهیم داشت. ما امیدواریم که جشن های یادبود به مناسبت شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب تان با موفقیت برگزار شود. ما یقین داریم که حزب شما بدون تزلزل به ارائه طریق و نمونه یی شجاعانه در مبارزه برای رهایی و سوسیالیسم برای مردم ایران ادامه خواهد داد.

زننده باد حزب توده ایران

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست استرالیا

پیتر سایمون، دبیر کل

■ پیام حزب کمونیست پرو

به کمیته مرکزی حزب توده ایران

رفقای عزیز،

به مناسبت شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، ما خوشوقتم که درود های رفیقانه خود را به شما و از طریق شما به همه اعضا و هواداران حزبتان تقدیم داریم.

شصتمین سالگرد تأسیس حزب شما در زمانی برگزار می گردد که طبقه کارگر و نیروهای دموکراتیک و طرفدار صلح در تمامی جهان، با تهاجمی شدید از جانب کمپانی های بین المللی و محافل حاکمه ارتجاعی در دنبال آنچه که نظم نوین جهانی خوانده شده است، روبه رو هستند. لذا تقویت وحدت طبقه کارگر و تعمیق همکاری تمامی نیروهای دموکراتیک و چپ و ارتقاء همبستگی بین المللی، اهمیتی فوق العاده پیدا می کند.

ما با علاقه بی فراوان مبارزه شما را در طول ۶۰ سال حیات مبارزاتی تان دنبال کرده ایم: شش دهه مبارزه تاریخی و قهرمانانه توسط اعضا حزب، کارگران، جوانان، دانشجویان و روشنفکران برای رهایی کشور از زنجیر امپریالیسم، ارتجاع، دیکتاتوری و برای دستیابی به دموکراسی، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی.

ما آمادگی خود را برای توسعه دوستی و همکاری میان احزاب مان و صمیمانه ترین آرزوهای خود را برای پیروزی شما در مبارزه و عمل انقلابی تان اعلام می داریم.

با درودهای برادرانه،

آلبرتو مورنو روجا، دبیر کل

برگزاری شکوهمند جشن شصتمین سالگرد بنیان گذاری حزب توده ایران در کانادا



تذکره: تاکنون گزارش جشن های سالگرد تأسیس حزب توده ایران در اتریش، آمریکا، و انگلستان به دفتر «نامه مردم» رسیده است که در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

پرچم رزم حزب توده ایران همچنان در اهتزاز است

«جشن شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب توده ایران، در روز شنبه ۲۱ مهر ماه ۱۳۸۰، برابر با ۱۳ اکتبر ۲۰۰۱، در شهر تورنتو کانادا، با حضور جمع کثیری از اعضا، دوستان و هواداران حزب، که از سرتاسر کانادا گردآمده بودند، و همچنین حضور تعداد کثیری از میهمانان خارجی برگزار شد. در ابتدای جشن، به یاد شهدای حزب و به خون خفتگان خلق یکدقیقه سکوت اعلام شد و پس از قرائت شعری، که به مناسبت شصتمین سالگرد حزب سروده شده بود، مراسم جشن با سرود چهارم حزب توده ایران آغاز شد. طنین سرود حزب و همراهی حضار، در کنار تصاویر شهدای حزب به سالن فضای شور و شوق ویژه بی می داد. پس از سرود چهارم، پیام سازمان حزب توده ایران در کانادا توسط رفیق مسؤل کشوری قرائت شد. در این پیام ضمن اشاره به نقش و اهمیت حزب توده ایران در تاریخ معاصر میهن ما، از تمان نیروهای مترقی و آزادی خواه درخواست شد که به منظور با رژیم «ولایت فقیه» و ارتجاع داخلی متحد شوند. در ادامه برنامه پیام سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت-تورنتو، قرائت شد که در آن ضمن اشاره به اینکه «حزب توده ایران قدیمی ترین حزب کشور ماست و در دوران های طولانی پرچمدار جنبش چپ ایران بوده است» به نقش حزب توده ایران در سازماندهی کارگران و همچنین نقش پیشاهنگ حزب در نوسازی و مدرن کردن حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران اشاره شد. در ادامه پیام های تبریک نمایندگان احزاب کارگری و کمونیستی از جمله حزب کمونیست کانادا، حزب کمونیست عراق و همچنین سازمان یونانیان دموکرات در کانادا قرائت شد. در خلال برنامه از طرف اعضا و هواداران حزب اشعاری خوانده شد و قطعات مختلف موسیقی نواخته شد. از برنامه های جالب جشن نقل خاطرات از رفقای شهید و برجسته حزب همچون رفیق مرتضی کیوان، طبری، رفیق افضل و دیگران بود. جشن پر شکوه شصتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران با تأکید بر ادامه مبارزه با ارتجاع به پایان رسید.»

ادامه ۱۳ آبان، شعارهای توخالی و ...

افتخار جمهوری اسلامی نداشتن زندانی سیاسی بود» در حالی که امروز کسانی که مخالفت خود را با انحصار و شیوه های انحصار گرایانه بیان کرده اند مورد پیگرد و آزار و اذیت قرار گرفته اند.

روند رویدادهای کشور حاکی از شکل گیری پدیده قابل توجهی است که نیازمند بررسی دقیق تر است. نیروهای اجتماعی شرکت کننده در مبارزه برای تحقق اصلاحات با اتکاء به تجربیات گرانمایی که در عرصه مبارزه با استبداد حاکم کسب کرده اند، شناخت دقیق و درستی از ماهیت رژیم و برنامه های آن برای حفظ پایه های حکومت ارتجاعی به دست آورده اند که اهمیت زیادی دارد. دیگر شعارهای توخالی و عوام فریبانه «مبارزه با استکبار و آمریکا» و همچنین مدعیات حضرات در زمینه آزادی و عدالت در «نظام نمونه جهان» قادر نیست کسی را فریب دهد.

اکثریت عظیم مردم به خوبی می دانند که رهبران رژیم «ولایت فقیه» برای حفظ پایه های حکومت خود حاضرند به هر خواری و ذلتی در زمینه سیاست خارجی تن دهند، هرگونه سیاست ماجراجویانه بی را بر خلاف منافع میهن ما به اجرا در آورند و به هر عمل ضد انسانی دست بزنند. کارنامه سیاه سران جمهوری اسلامی در بیست و دو سال گذشته بهترین شاهد این مدعاست. مردم میهن ما از یاد نبرده اند که در دوران ریاست جمهوری ریگان در آمریکا، رفسنجانی و شرکا، در حالی که روزانه ده ها سخنرانی در مذمت و محکومیت آمریکا می کردند و شعارهای «ضد آمریکایی» حضرات همه جا بلند بود، مشغول مذاکره پنهانی با نمایندگان دولت ریگان و سرهنگ نورث بودند و از طریق دولت اسرائیل اسلحه آمریکایی دریافت می کردند. اگر جریان ۱۳ آبان، برای جنبش دانشجویی سال های اوایل انقلاب، زمینه ابراز انزجار و مخالفت با دخالت های مستمر دولت آمریکا در ایران بود، ولی برای سران رژیم ابزار معامله و بده بستن سیاسی بی بود که رژیم برای پیش برد سیاست هایش، از جمله تار و مار کردن اپوزیسیون داخلی لازم می دانست. در سال های اخیر و با انتشار ده ها سند، این حقیقت بیش از پیش روشن شده است که مبارزه «ضد آمریکایی» برای مرتجعان حاکم همچون جنتی ها، عسگر اولادی ها و شرکا، تنها دکان سیاسی است که با استفاده از آن می توان به سرکوب مخالفان داخلی پرداخت و با منتهم کردن همه مخالفان به همدستی با آمریکا سیاست های استبدادی و قرون وسطایی را به نام «مبارزه با استکبار» بر میهن ما تحمیل کرد.

تجربه سال های اخیر حقایق را بیش از پیش برای اکثریت مردم ما روشن کرده است و از همین روست که مراسم رسمی ۱۳ آبان رژیم به آن شکل برگزار می شود و در مقابل آن دانشجویان معترض نمایش اعتراضی در مخالفت با «تحریر دینی» و «اسلام طالبانی» را برگزار می کنند.

این امر در مورد سایر زمینه ها نیز صادق است. مردم دیگر حاضر به پذیرفتن شعارهای توخالی از هیچ جناحی نیستند و هر ادعا و شعاری را با محک تجربه روز ارزیابی می کنند. این درک دقیق و تحسین برانگیز از اوضاع کنونی جامعه و نیروهای سیاسی آن ابزار با ارزشی در مبارزه مردم ما بر ضد رژیم استبدادی کنونی است که باید آنرا به شکل بُرا تری به کار برد. ۱۳ آبان، و تسخیر سفارت آمریکا در تهران، حادثه مهمی در تاریخ میهن ماست که از زوایای مختلف قابل تأمل و بررسی است. آنچه مسلم است این است که حمله به سفارت یک کشور و تسخیر آن در چارچوب روابط و عرف بین المللی قابل قبول نیست و اصولاً راه مبارزه با دخالت های امپریالیسم در میهن ما تسخیر سفارت های این کشورها نمی توانست باشد. اتخاذ سیاست مستقل و متکی به مردم و خواست های جنبش انقلابی، از جمله آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی نیاز جامعه آن روز میهن ما بود که سران رژیم «ولایت فقیه» با خیانت به این شعارها، انقلاب را به بیراهه استقرار رژیم استبداد قرون وسطایی کشاندند.

اکثریت قاطع مردم، از جمله کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان میهن ما همچنان خواستار تحقق همان شعارهایی هستند که انقلاب بهمن ۵۷ با هدف تحقق آنها رخ داد، ولی تجربه تاریخی ۲۲ ساله گذشته به دفعات اثبات کرده است که تحقق این شعارها در چارچوب رژیم «ولایت فقیه» امکان پذیر نیست و از همین رو باید همه نیروها را برای طرد این رژیم بسیج کرد.

پیروزی چپ در لهستان

صاحب ۲۰۱ و ۵۱ کرسی شود.

اما آنچه که اهمیت دارد، نحوه برخورد نیروهای چپ با مسایل کنونی لهستان است. مردم در این انتخابات ناراضی خود را از سیاست های دولت دست راستی کشور اعلام کردند. باید دید که نیروهای چپ چگونه با قرار دادهای تحمیلی که از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول برای این کشور دیکته شده است، برخورد خواهند کرد و چه برخوردی با مسایل مربوط به همکاری و ورود به اتحادهای نظامی و اقتصادی اروپا خواهند داشت.

مدارک موجود، دولت در صدد بود تا با دادن کمک های اقتصادی، این شرکت ها را برای حفظ کارکنان خود ترغیب کند، اما آنها تاکنون هیچگونه تمایلی را برای اینکار از خود نشان نداده اند. شرکت های هواپیمایی «امریکن»، «یونایتد»، «نورت وست»، و «یواس» با عقد قرار داد های ضد کارگری این امکان را یافته اند تا بتوانند کارگران را، بدون آنکه مزایایی به آنان پرداخت کنند و یا با بازنشستگی زود رس آنها موافقت کنند، از کار اخراج کنند. بطور مثال «امریکن ایرلاینز»، که بیش از ۵۰۶ خلبان و ۱۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت را اخراج کرده است، میلیون ها دلار از این طریق به جیب زده است و این در حالی است که ۸۰۸ میلیون دلار نیز از دولت کمک دریافت کرده است.

«یونایتد ایرلاینز» نیز اعلام کرد که ۲۰۰۰ نفر از کارکنان خود را کاهش خواهد داد. این شرکت هیچ کسی را اخراج نکرد اما هیچ کس را نیز به کار فرما نخواستند. این کارگران در چنین شرایطی نمی توانند از حقوق بیکاری استفاده کنند و در عین حال نیز هیچ در آمدی ندارند.

«امریکن ایرلاینز» از کارکنان خود خواسته است تا «داوطلبانه» کاهش دستمزد را بپذیرند، که در واقع ۲ میلیون دلار صرفه جویی برای این شرکت است.

خواهان آن هستیم، سرانجام می تواند دوباره آغاز شود.» زیمبابوه سرزمینی است با زمین های حاصلخیز و منابع عظیم که می تواند با چنین منابعی، زندگی مرفهی را برای مردم این کشور فراهم کند. اما اکثریت مردم در فقر غوطه ور هستند، زیرا بخش کوچکی از زمینداران سفید پوست بیش از ۶۰ درصد زمین های زراعی را در اختیار دارند و علیرغم گذشت بیش از ۲۰ سال از پیروزی بر رژیم نژاد پرست دولت رودزیا، هنوز تغییر جدی در جهت منافع مردم صورت نگرفته است. با شروع مبارزه برای اصلاحات ارضی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، وام های خود به دولت موبگابه را قطع کردند. این عمل باعث کاهش مقدار ارز خارجی کشور، شناور شدن واحد پولی کشور و گرانتر شدن قیمت کالاهای وارداتی شد. در شرایطی که زیمبابوه با آشفتگی اقتصادی روبرو است، فرصت مناسبی برای بزرگ سرمایه داران کشور، که بطور عمده در شهرها متمرکز هستند، پیش آورده است تا بتوانند اپوزیسیون سیاسی علیه موبگابه تشکیل دهند. در عین حال مردمی که در حاشیه شهرها و روستاها زندگی می کنند، بویژه کارگران کشاورزی بی زمین که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، پشتیبان موبگابه هستند. حرکت های اخیر در کشور، در رابطه با تقسیم زمین های کشاورزی بین کشاورزان بی زمین و ثابت نگهداشتن قیمت مواد غذایی و در برخی موارد کاهش آنها، در وهله اول به نفع همین گروه از مردم تمام خواهد شد.

ادامه در همبستگی با مردم...

ای برای گسترش تعرض نظامی به منظور شکست انتفاضه (رستاخیز مردم فلسطین)، تضعیف دولت فلسطینی و اشغال مجدد سرزمین های تحت کنترل دولت فلسطینی مورد استفاده قرار می دهد.

تلاش برای مساوی قرار دادن دولت فلسطینی با طالبان و یاسر عرفات با اسامه بن لادن در بطن خود خطر بزرگی را نهفته دارد. این ها نقشه سرنگونی دولت فلسطینی و قطع روند صلح با اشغال نواحی تحت کنترل دولت فلسطینی و با راه انداختن جنگی جنایتکارانه زیر پرچم «جنگ برضد تروریسم» را تدارک دیده اند. گسترش جنگ در چند روز اخیر شامل حمله و اشغال بخش هایی از شهر های جنین، رام الله، بیت اله، تول کریم، کیلیکیلیه و نوار غزه، قتل رهبران فلسطینی، کشتار روزانه کودکان و شهروندان بیگناه و محاصره تمام و کمال این شهرها می شود. تمام این اقدامات می تواند به انفجار ترسناکی که موجب برخورد های فاجعه بار منطقه ای شود بیانجامد. خشونت خشونت می آورد و امنیت را برای هیچ طرف تامین نمی کند.

حزب کمونیست اسرائیل می طلبد که دولت شارون- پرز به گسترش تجاوزکارانه جنگ فوراً خاتمه دهد، از سرزمین های دوباره اشغال شده تحت کنترل دولت فلسطینی بیرون رود و به میز مذاکرات بازگردد. حزب کمونیست اسرائیل تمامی هواداران صلح را اعم از کلمی و یا عرب فرا می خواند تا در برابر این دولت راستگرا سد محکمی ایجاد کنند و از غلطیدن در سراشیب برخورد های مخرب که فاجعه ای تمام عیار علیه تمام مردم منطقه خواهد بود جلوگیری کنند. حزب کمونیست اسرائیل جامعه بین المللی را فرا می خواند تا با دخالت و اعمال فشار بر دولت شارون نقطه پایانی بر تجاوز بگذارد و پیشنهاد محافظت بین المللی به مردم فلسطین بدهد و امنیت آن ها را در برابر جنایت و کشتاری که توسط دولت اشغالگر اسرائیل انجام می شود تامین کند. این امر باید اولین قدم به طرف یک سازش عادلانه بر پایه قطعنامه های سازمان ملل باشد که حق فلسطینی ها را برای تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی در چهارچوب مرزهای چهارم ژوئن سال ۱۹۶۷ و هم چنین حق پناهندگان فلسطینی برای بازگشت به موطن خود را به رسمیت می شناسد.

۲۱ اکتبر ۲۰۰۱

شرکت های هواپیمایی، حمله ای بین المللی به کارگران

روز ۲۱ سپتامبر، زمانیکه هزاران خلبان و دیگر کارکنان شرکت های هواپیمایی از کار اخراج شدند، کنگره آمریکا کمک ۱۷ میلیاردی دولت به شرکت های هواپیمایی را تصویب کرد تا آنها را از «ورشکستگی» نجات دهد. همزمان نمایندگان جمهوری خواه نیز پیشنهاد افزایش کمک به بیکاران و بیمه های درمانی را رد کردند. در این رابطه یکی از نمایندگان جمهوری خواه گفت این فکر که ما باید بیرون برویم و مزایای بیکاری و مزایای بیمه های درمانی را افزایش بدهیم، کاملاً بعید است، آنچه که با روح آمریکایی مغایرت دارد. و یک سناتور دیگر نیز گفت که، ما به اقتصاد بازار اعتقاد داریم، نه به مارکسیسم. روند کم شدن سود دهی شرکت های هواپیمایی قبل از ۱۱ سپتامبر آغاز شده بود و بنا به

زیمبابوه در راه تثبیت قیمت ها

۱۵ اکتبر، روبرت موبگابه رییس جمهوری زیمبابوه، اعلام کرد که در این کشور سیستم کنترل دولتی قیمت ها بر روی کالاهای ضروری و مواد غذایی، جایگزین سیستم اقتصادی بازار آزاد خواهد شد تا بتوان از این طریق با بحران های اقتصادی که در جامعه رو به افزایش است، مقابله کرد. در ۱۲ اکتبر دولت طی حکمی سراسری، اعلام کرد که قیمت مواد غذایی و کالاهای ضروری نباید افزایش یابد و در برابر تهدید ناوایی ها و دیگر فروشگاه های مواد غذایی که گرفته بودند در صورت اجرای چنین قانونی مغازه های خود را تعطیل خواهند کرد، موبگابه اعلام کرد هر کسی که مبادرت به تعطیل مغازه خود کند و یا دست به احتکار بزند و یا اینکه از طریق دلال ها و بصورت قاچاق اقدام به فروش کالاهای خود کند، اموالشان مصادره شده و در اختیار مردم قرار خواهد گرفت. او همچنین اضافه کرد: «اجازه ندهید در این حرکت کسی مورد بخشش قرار گیرد... دولت تمامی فروشگاه هایی را که بسته شوند در اختیار خواهد گرفت. ما آنها را با کارگران دوباره سازمان دهی می کنیم، و آن سوسیالیسمی را که

در همبستگی با مبارزه بر حق مردم فلسطین نقشه شارون در پی ترور زعیوی!

حنا امیره، عضو هیئت دبیران حزب مردم فلسطین

■ اوضاع فلسطین در هفته های اخیر به شدت بحرانی شده است. در پی هجوم نظامی دولت اسرائیل و اشغال مناطق زیر کنترل دولت خود مختار فلسطینی، تشنج و درگیری های نظامی پراکنده منطقه خاورمیانه را با خطرات جدید جدی روبه رو کرده است. حزب توده ایران ضمن اعلام همبستگی با مبارزات برحق مردم فلسطین خواستار قطع فوری عملیات نظامی ارتش اسرائیل است. «نامه مردم» برای اطلاع خوانندگان از حوادث مهم این منطقه بخش هایی از مواضع نیروهای مترقی فلسطین و اسرائیل، در رابطه با تحولات اخیر را منتشر می کند.

در حالی که توجه جهان معطوف تهاجم جنگی ایالات متحده آمریکا علیه مردم افغانستان است، دولت شارون در اسرائیل، در پی ترور خاخام رحیم زعیوی، یورش علیه مردم فلسطین را تشدید کرده و به مقامات فلسطین هشدار داد که طراحان و مجریان این ترور را به دولت اسرائیل تحویل دهند و چند سازمان فلسطینی را غیر قانونی اعلام کنند.

به دنبال این هشدار، دولت اسرائیل مناطق حیاتی و کلیدی را در اطراف شهرها و دهکده های فلسطینی با نیروهای نظامی اشغال کرده و حلقه محاصره را در کلیه مناطق تنگتر نموده و تمامی تماس ها و هماهنگی ها را با مسئولین فلسطینی (PNA) قطع کرد.

این اقدامات دولت اسرائیل را باید به مثابه نخستین قدم ها در سمت جنگی تمام عیار ارزیابی کرد که بنا به گفته منابع نظامی اسرائیلی به «گسترده ترین و طولانی ترین تهاجم علیه نواحی فلسطینی از زمان آغاز «انتفاضه» در ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۰» منجر خواهد شد. شهر رام الله که دفتر مرکزی چندین سازمان فلسطینی در آنجا قرار دارد، هدف عمده می باشد.

درست پس از وقایع ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده شارون به حمایت از اجرای این «عملیات نظامی تمام عیار» داد سخن داد.

پس از واقعه ترور وزیر اسرائیلی، او با استفاده از همان عبارتی که جورج بوش، رئیس جمهور آمریکا، پس از عملیات انفجاری در نیویورک و واشنگتن به کار برد، در برابر کشت اعلام کرد که «مرحله جدیدی آغاز شده است و اوضاع امروز اساساً تفاوتی با دیروز ندارد.» تهدید های امروز شارون یادآور وقایع مشابه در ۱۹ سال پیش می باشد که دولت وقت بعد از جریان سوء قصد به سفیر اسرائیل در لندن تعرض خود را به سازمان آزادیبخش فلسطین در جنوب لبنان آغاز کرد. در آن زمان مناجیم بگین، نخست وزیر اسرائیل گفت که جنگ علیه سازمان آزادی بخش، برای اسرائیل پس از ۴۰ سال آرامش بدنبال خواهد آورد و آن چه را که او «سر چشمه تروریسم» نامید از میان خواهد برد.

به نظر می رسد که شارون که در آن دوران سمت وزارت دفاع را داشت، امروز با استفاده از سمت تازه اش به عنوان نخست وزیر مجدداً همان اشتباهی را می کند، و دچار همان شکست سیاسی خواهد شد که در کارزار نظامی پیشین شاهدش بود، چرا که مردم فلسطین تسلیم نشدند و به مبارزه شان برای احیای حقوقشان که در مجامع بین المللی آن را به رسمیت می شناسند، ادامه داده اند و این در حالی است که شارون و دولت کنونی اش این حقوق را انکار می کنند. تجربه گذشته ثابت کرده است که استفاده از نیروی نظامی در ۴۰ سال گذشته به آرامش نینجامیده است. بنابراین، دولت اسرائیل راهی به جز تغییر روش و در پیش گرفتن مسیری دیگر ندارد، مسیری که در پی راه حل سیاسی مبتنی بر شناسایی حق مردم فلسطین در تصمیم گیری برای خودشان، و پایان دادن به اشغال و اجرای قطعنامه های قانونی بین المللی، است. اخطار دولت شارون به رهبران فلسطین، در عمل هدفی جز پایمال کردن حقانیت آن و درگیر کردن آنان با مردم فلسطین ندارد و در واقع جبهه داخلی فلسطین را تهدید به نفاق می کند. رهبری فلسطین چنین سناریویی را مردود شناخته است و هرگونه وضع مشابهی در آینده را نیز مردود می داند، چرا که، خیلی ساده، به مسئولیتهای ملی اش آگاهی دارد و می داند که خطرات حمله نظامی اسرائیل شدیدتر از خطرات نفاق داخلی نیست. اما در

جبهه فلسطین، ما باید بگوئیم که در این لحظه های حساس و بحرانی، اگر منافع دولت شارون در تشدید اقدامات نظامی و از بین بردن هرگونه فرصت برای حرکت های سیاسی است، منافع ملی فلسطین، درست بر عکس آن باید باشد. وقایع انفجار در نیویورک و واشنگتن و پیامد های آن، منجر به چشم انداز واقعی جدیدی برای یک حرکت تازه سیاسی شد، که می تواند به پیشرفت در زمینه حل معضل فلسطین بینجامد. این امر مستلزم آن است که ما این فرصت بدست آمده را تا آخر بیامانیم و استفاده کنیم و اجازه ندهیم که شارون از فاجعه های نیویورک و واشنگتن به عنوان پیش زمینه برای برخورد با مقامات ملی فلسطینی، به آن صورتی که واشنگتن با جنبش طالبان برخورد می کند، استفاده کند.

ما میزان فشار و بی عدالتی را که بر اثر اشغال به مردم فلسطین وارد می شود درک می کنیم. ما همچنین، از میزان تلفات، قربانی ها و از خود گذشتگی های مردم فلسطین در طی سالیان مبارزه شان و اینکه این حق طبیعی و مشروع مردم فلسطین است که به مقابله با این اشغال بپردازند، آگاهیم، اما همه این ها الزاماً به این معنی نیست که مامی توانیم خودمان را از اطرافیان عرب و بین المللی مان جدا نگه داریم و هر کاری که می خواهیم، هر جا و هر زمان، بکنیم.

بنابراین، وظیفه عاجلی که در برابر مردم ما و نیروهای نظامی و رهبری شان قرار دارد بهانه ندادن برای کشیده شدن به یک مقابله نظامی تمام عیار است، چرا که این به شارون امکان می دهد نقشه هایش را به اجرا بگذارد و یا می تواند به او این فرصت را بدهد که به قول خودش در تحت شرایط مرحله جدید جنگ علیه فلسطین ما، مردم فلسطین را به انزوا بکشاند. شارون معتقد است که نقشه اش می تواند امتیاز های بیشتری برای اسرائیل در برابر آمریکا و کشورهای اروپایی بیاورد و آن ها را قانع کند که به فکر هیچ اقدام سیاسی تازه ای برای حل معضل فلسطین نباشند. در صورتی که دولت اسرائیل تهدید هایش را به اجرا بگذارد و عملیات نظامی همه جانبه اش را آغاز کند، کشورهای عرب و جامعه بین المللی را از مسئولیت هایشان، و از بکار گیری اقدامات لازم و برداشتن قدم های ضروری در جهت خنثی کردن این تهاجم معاف نمی کند. آن ها بهتر است که از همین حالا این اقدامات را آغاز کنند.

موضع حزب کمونیست اسرائیل در رابطه با خاتمه دادن به جنگ شارون

حزب کمونیست اسرائیل قاطعانه گسترش جنگ توسط دولت شارون- پرز- بن الیزر- موفاز علیه مردم فلسطین، دارایی ها و رهبری و سازمان های سیاسی آن ها را محکوم می کند. دولت شارون همراه با افراد بی مسئولیت راستگرا در جبهه متحد کشته شدن رچاوم زعیوی را بهانه می کنند تا تلاش های بین المللی برای قطع خون ریزی و بازگشت به میز مذاکرات برای دستیابی به یک راه حل عادلانه برای درگیری های خاورمیانه را مورد حمله قرار دهد. دولت، قتل زعیوی را به عنوان بهانه

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

کمک به خانواده های زندانیان سیاسی - جمع آوری شده در جشن شصتین سالگرد حزب در دانمارک ۸۰۰ کرون
به مناسبت شصتین سالگرد حزب - رفقا از برلین ۶۰۰ مارک
از رفقای قدیمی حزب - لندن ۱۰۰ پوند

آدرس ها: لفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>
4. E-mail:mardom@tudehpartyiran.org

Nameh Mardom-NO 621
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

6 November 2001

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰-۴۹-۳۰-۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک